



به نام خدا

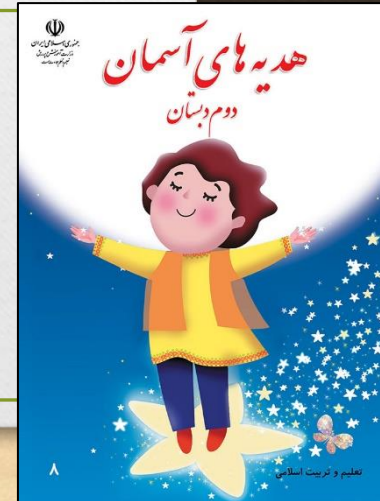


هدیه های آسمان



علوی

مدارس هزاره سوم



مهمان کوچک

ظهر بود.

پیامبر خدا و دوستش بلال در مسجد نشسته بودند و با هم صحبت می کردند.
کودکی وارد شد و سلام کرد. پیامبر با مهربانی جواب سلامش را داد.
کودک گفت: من پدر ندارم و با مادر و خواهرم زندگی می کنم.
شما را خیلی دوست دارم.

پیامبر لبخندی زد و گفت: چه با ادب حرف می زنی!

بعد به بلال گفت: به خانه ی ما برو و برای این کودک خوراکی بیاور!
بلال رفت و با یک ظرف کوچک خرما بازگشت.

پیامبر خرماها را شمرد. بیست و یک دانه بود!

پیامبر دستی بر سر کودک کشید و گفت:

هفت تا برای خودت، هفت تا برای خواهرت و هفت تا هم برای مادرت.

کودک یکی از خرماها را به دهان گذاشت. خیلی شیرین بود!

از پیامبر تشکر کرد و با خوش حالی به سوی خانه راه افتاد.



فکر می کنم



پیامبر خدا پدر همه ی ما است ، او همه ی بچه ها را دوست دارد ، مرا هم دوست دارد.

او.....

فکر می‌کنم



پیامبر خدا پدر همه ی ما است ، او همه ی بچه ها را دوست دارد ، مرا هم دوست دارد.

او.....

به آن پسر خرما داد و به فکر مادر و خواهر پسر هم بود که ممکن هست آن ها هم نیاز به غذا داشته باشند.

دوست دارم



من هم مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله)

دوست دارم



من هم مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله)

می خواهم مهربان باشم و به دیگران کمک کنم.



امین و مینا



امین و مینا درباره ی داستان مهربانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یکدیگر گفت و گو می کنند.

امین: من از داستان «مهمان کوچک» یاد گرفتم با دیگران مهربان باشیم.

مینا: من هم می خواهم مانند پیامبر قلب بزرگ و مهربان داشته باشیم و به همه کمک کنم.

امین: اگر من به جای آن کودک بودم، از خرماهایم به کودکان دیگر هم می دادم.

مینا: خدا از کمک کردن به انسان ها خیلی خوشحال می شود و در زمان مشکلات او هم به ما کمک می کند.

خبر! خبر!

یکی سوار می شد عقب
یکی سوار می شد جلو
بچه ها فریاد می زدند:
جانمی جان، برو برو

خنده کنان دست می زدند
به پا و زین و موی اسب
شادی کنان داد می زدند:
مارو سوار کن روی اسب

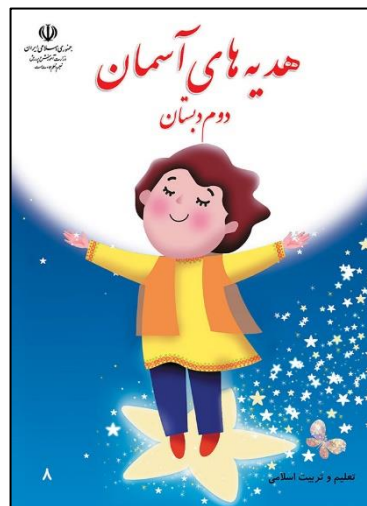
وقتی پیامبر خدا
با اسب می آمد از سفر
بچه ها فریاد می زدند:
پدر او مد، خبر، خبر

از این طرف به آن طرف
می چرخیدند تو کوچه ها
پیامبر عزیز ما
شادی می کرد با بچه ها

پیامبر عزیز ما
افسار اسب را می کشید
می گفت: حالا یکی یکی
سوار اسب من شوید

پر می زدند به سوی اسب
شبیبه چند تا شاپرک
به دور او می چرخیدند
خیلی قشنگ و با نمک

سوالات درس هفتم



۱. یکی از ویژگی های مهم پیامبر چه بود؟ مهربانی

۲. ما در قبال کمک دیگران باید از آنها تشکر کنیم.

۳. خدا از کمک کردن انسانها به دیگران .. خوشحال می شود.

۴. نام دوست با وفای پیامبر چه بود؟ بلال